

ضرورت و ویژگیهای پژوهش در اخلاق زیست محیطی

دکتر احمد عابدی سروستانی*^۱ و دکتر منصور شاهولی^۲

۱. گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

۲. بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

چکیده

زمینه: حفاظت از محیط زیست به آحاد جامعه وابسته است و طرز تلقی و نگرش آنان، بر نوع رفتار آنها با محیط زیست تاثیر می‌گذارد. این که آنان چه درکی از رابطه خود با محیط زیست دارند و چگونه برای آن ارزش قائلند، در نهایت، سازنده محیط زیستی است که آنان در آن پرورش یافته و با سایر مخلوقات تعامل می‌کنند. برخورداری افراد از اخلاق زیست محیطی مناسب، یک تضمین درونی برای رفتار درست با سایر مخلوقات و جلوگیری از صدمه به محیط زیست محسوب می‌شود. به همین دلیل، در مباحث جاری پیرامون حفاظت از محیط زیست، بر آموزش اخلاق زیست محیطی و تربیت انسانهای اخلاق‌مدار در تعامل با محیط زیست، تاکید فراوانی می‌شود.

روش کار: در مقاله حاضر سعی شده است تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی نشان داده شود که چرا مراکز علمی و پژوهشی می‌باید به اخلاق زیست محیطی بپردازند و برای این کار، به کدام ویژگیهای پژوهش پیرامون اخلاق زیست محیطی می‌باید توجه داشته باشند.

نتیجه گیری: مقاله حاضر نتیجه می‌گیرد که ازدیاد دانش زیست محیطی و ارتقاء عمل به اخلاق زیست محیطی در جامعه، از وظایف مراکز تعلیم و تربیت و از جمله دانشگاهها و مراکز علوم دینی است و در این خصوص، به دلیل وسعت، چندرشته‌ای و چندگانه بودن و همچنین زیست منطقه‌گرایی اخلاق زیست محیطی، پژوهشها می‌باید به صورت مستمر و پیرا رشته‌ای انجام شوند تا با کمک آن، به ارائه نظریه‌ها و رهیافتهای مورد نیاز و همچنین، تدوین یک نظام‌نامه جامع اخلاق زیست محیطی، همت گماشت.

کلید واژه‌ها: اخلاق زیست محیطی، آموزش اخلاق، حفاظت محیط زیست.

سر آغاز

در ماهیت خود، یک نهاد آموزشی است که به منظور تربیت انسانها و تشکیل عادات، مهارتها، تفکر و فضایل مشخص در آنان طراحی می‌شود (۱). واقعیت این است که جامعه امروز، دوره پرشتایی را از نظر صورت‌بندیهای فرهنگی و اجتماعی تجربه می‌کند (۲) و مراکز علمی و پژوهشی موظفند ضمن پرداختن به مبانی ارزشی و اعتقادی جامعه، آن نوع اخلاق زیست‌محیطی را توسعه دهند که به حفظ محیط زیست کمک کند و راهنمای عمل انسان در تعامل با آن باشد.

چرا مراکز علمی و پژوهشی باید به مقوله اخلاق زیست‌محیطی بپردازند؟ یک پاسخ کلی این است که مراکز علمی و پژوهشی مانند دانشگاهها و مراکز علوم دینی، علاوه بر آموزش، پژوهش و تولید علم، مهمترین کانون فرهنگ‌پذیری، انتقال و باز تولید ارزشهای فرهنگی در سطح ملی‌اند. این در حالی است که، اخلاق عملی (مانند اخلاق زیست‌محیطی) نیز به مفاهیم فرهنگی و ارزشی ارتباط دارد و

مراکز علمی و پژوهشی، به عنوان اجتماع اندیشمندان و دانش پژوهان، مهد نوسازی اجتماع نیز به شمار می‌روند. زیرا در آنها، فکر و اندیشه‌های جدید، دانش و معرفت نو و فرهنگی خلاق و پویا، نشو و نما می‌کنند (۳). دانش و بینشی که افراد در این مراکز پیرامون اخلاق زیست‌محیطی کسب می‌کنند و به صورت قابلیت‌ها و توانایی‌های فنی، تخصصی و نگرش‌ها در آنان ظاهر می‌شود، عامل موثری در شکل‌گیری خوی و منش اجتماعی نسبت به محیط زیست خواهد بود. این موضوع از این جهت مهم است که ریشه اصلی نابسامانی‌های موجود در حفاظت از منابع طبیعی، به چگونگی درک و باورهای انسان نسبت به محیط زیست بر می‌گردد، زیرا، رفتارهای ما به وسیله اندیشه‌هایمان هدایت می‌شود (۴) و آنچه را که مردم در مورد زیست‌بومها انجام می‌دهند، وابسته به آن چیزی است که درباره محیط طبیعی پیرامون خود می‌اندیشند (۵). همچنین، برای این که یک جامعه، ارزشهای موجود در ارتباط با محیط زیست را مورد نقد قرار دهد، افراد آن جامعه می‌باید عوامل فعالی باشند تا بتوانند به طور آگاهانه نسبت به خود و دیگران، عمل کنند. این در حالی است که، رفتار اخلاقی نیز می‌باید به طور داوطلبانه و آگاهانه باشد. فرد ناآگاه، منفعل است در حالی که، فرد آگاه، قادر است تا خوبی را از بدی، درستی را از اشتباه، و مسؤلیت و تعهد نسبت به ارزشها را تشخیص دهد. چنین شخصی قادر است تا بین رفتارهای مختلف، تفاوت قائل شود (۶). به این ترتیب، نقش بسیار مهم آموزش و پژوهش در تمام سطوح در بالا بردن سطح دانش، تحلیل، اخلاق و مسؤلیت‌پذیری افراد در برابر جامعه و محیط زیست، انکارناپذیر است و به همین دلیل، مراکز علمی و پژوهشی بدون پرداختن به این موارد، نه تنها نمی‌توانند خود را سامان دهند بلکه، قادر به عمل به رسالت خود در برابر محیط نیز نخواهند بود (۷). در این راستا، مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی با این هدف تهیه شده است که ضمن نشان دادن دلایل ضرورت پرداختن مراکز علمی و پژوهشی به اخلاق زیست‌محیطی، مهمترین موارد مرتبط با ویژگی‌های پژوهش پیرامون اخلاق زیست‌محیطی، معرفی شوند.

بحث

اگرچه، از طریق آموزش اخلاق به سختی می‌توان به ایجاد خصلتها و حساسیت‌های مورد نیاز در افراد برای چگونگی تعامل با پیشامدهای زندگی پرداخت (۸) اما، نباید فراموش شود که ماهیت مشکلات زیست‌محیطی، هنجاری‌اند و طرح مباحث هنجاری مانند اخلاق

زیست‌محیطی، می‌تواند یک نقش حیاتی در تفکرات زیست‌محیطی و نوع رفتار و عمل افراد در تعامل با محیط زیست داشته باشد (۹). این در حالی است که، مراکز علمی و پژوهشی هم با ایفای نقش آموزشی خود و هم با انجام پژوهش، ضمن تاثیر بر تفکر و باورهای زیست‌محیطی افراد، نه تنها بر آگاه‌سازی اجتماع و تعیین مهمترین موضوعات مورد بحث پیرامون حفاظت از محیط زیست، تاثیرگذارند بلکه، در تعریف و تعیین رهیافتهای اخلاقی مورد استفاده برای حفاظت از محیط زیست نیز موثرند. به این ترتیب، مراکز علمی و پژوهشی وظیفه دارند تا ضمن ازدیاد دانش زیست‌محیطی، به رعایت اصول اخلاق زیست‌محیطی در جامعه نیز کمک کنند. عمل به این وظیفه از طریق آگاهی‌رسانی، آموزش و بسیج تمامی علاقمندان به محیط زیست و ترویج یک روش زندگی سازگار با زیست‌بومهای طبیعی در بین کارکنان آموزشی، فراگیران، دانش‌پژوهان و عموم مردم، امکان‌پذیر است. به این ترتیب، این انتظار وجود دارد تا مراکز علمی و پژوهشی خود را متعهد به آموزش و پژوهش پیرامون اخلاق زیست‌محیطی بدانند و رهبری و هدایت برنامه‌های آموزش بین‌رشته‌ای و اخلاق‌مدار برای حل بحرانهای زیست‌محیطی را بر عهده گیرند (۱۰). این موضوع در اهداف و راهبرد بیانیه‌های منتشر شده و مرتبط با همایش محیط زیست و توسعه، که در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیو برگزار شد و به برنامه کار ۲۱ مشهور گردید نیز مورد تاکید قرار گرفته است (۱۱).

اخلاق زیست‌محیطی، یکی از شاخه‌های فلسفه کاربردی است که با ارزشها، باورها و گرایشها سر و کار دارد و در بهترین حالت، می‌توان آن را یک فرایند اصول نهاد در نظر گرفت که به دنبال ارائه راه‌حلهای اخلاقی برای مشکلات زیست‌محیطی از طریق پیوند علوم مختلف با گرایشهای اجتماعات انسانی است (۱۲). اخلاق زیست‌محیطی با دغدغه‌های جهانی سر و کار دارد مانند: رابطه انسان با محیط زیست، درک انسان نسبت به مسؤلیت در برابر محیط زیست و تعهد به حفظ منابع برای نسلهای آتی. این در حالی است که، آلودگیهای زیست‌محیطی، استفاده از منابع زمین، تولید و توزیع غذا، تولید و مصرف انرژی، صیانت از حیات وحش و تنوع گونه‌ای نیز در گستره و حوزه اخلاق زیست‌محیطی جای دارند (۱۳).

تغییرات سریع اجتماعات از نظر فناوری، اقتصاد و سیاست، موجب طرح مسائل و پرسشهای جدید پیرامون تعامل انسان با طبیعت شده‌اند که فلسفه و علم اخلاق را به چالش می‌کشاند. بدون تردید، وضع و انشاء معیارهای اخلاقی در یک قرن پیش بسیار ساده‌تر از شرایط

حاضر بوده است زیرا، به دلیل ثبات و همسانی بیشتر اجتماعات، تشخیص معیارهای درست و اشتباه اخلاقی، راحت تر انجام می‌گرفته است. اما، امروزه مسایل زیست محیطی از حوزه خصوصی و فردی به حوزه عمومی انتقال یافته‌اند و پرسش این است که آیا می‌توان از معیارهای اخلاق هنجاری سده‌های گذشته برای تنظیم تعامل انسان با طبیعت استفاده کرد (۱۴). به همین دلایل، اخلاق زیست محیطی یک موضوع پژوهشی مناسب برای مراکز علمی و پژوهشی محسوب می‌شود و به دو دلیل می‌توان آن را قابل تغییر و تکامل دانست. یکی این که، نیازها و اولویتهایی که از ارزشهای جامعه سرچشمه می‌گیرند، در طی زمان تغییر می‌کنند و اخلاق می‌باید قادر باشد تا خود را با تاریخ و سابقه انسان در طول زمان، سازگار کند (۶). دوم این که، پیرامون اخلاق کاربردی که قادر به تشریح حوادث و فجایع زیست محیطی باشد، کمبود وجود دارد. این اخلاق جدید باید به ورای عمل‌گرایی رود و درک و احساس جدیدی را از جایگاه مخلوقات در جهان ارائه دهد زیرا، در این صورت است که می‌توان به یک الگوی رفتار زیست محیطی قابل اعتماد دست یافت (۱۵).

قابلیت تغییر و تکامل اخلاق زیست محیطی، دو مسیر حرکت برای مراکز علمی و پژوهشی را ترسیم می‌نماید. یکی، مسیر تبیین مصادیق رفتارهای اخلاقی با محیط زیست که عمدتاً به شرایط زمانی و مکانی وابسته هستند. پیگیری این مسیر به تدوین و تبیین نظام‌نامه اخلاق زیست محیطی خواهد انجامید. دوم، مسیر تغییر رفتار انسان که به تربیت و شکل‌پذیری رفتار انسان دلالت دارد و این حوزه، خود یکی از مهمترین حوزه‌های آموزشی و پژوهشی در علوم رفتاری و اجتماعی مراکز علمی و پژوهشی محسوب می‌شود. در این راستا، توجه به چند ویژگی لازم است (۱۶):

۱- وسعت اخلاق زیست محیطی. اخلاق به طور سنتی به وظایف انسانها نسبت به یکدیگر علاقمند است در حالی که، حوزه اخلاق زیست محیطی به ماورای افراد و اجتماع انسانها می‌رود به طوری که، نه تنها انسانها را شامل می‌شود بلکه، حیوانات و کل زیست‌کره در زمان حال و آینده را نیز در بر می‌گیرد.

۲- بین‌رشته‌ای بودن اخلاق زیست محیطی. اخلاق زیست محیطی با برخی از رشته‌های علمی مانند اقتصاد محیط زیست، سیاستهای زیست محیطی، علوم زیست محیطی و الهیات محیط زیست، دغدغه‌ها و نظرهای مشابهی دارد. دیدگاهها و روشهای متفاوت این رشته‌های علمی، الهام‌بخش اخلاق زیست محیطی هستند و در مقابل، اخلاق زیست محیطی نیز مبانی ارزشی مناسبی را ارائه می‌کند.

۳- چندگانه بودن اخلاق زیست محیطی. از زمان معرفی اخلاق زیست محیطی، دیدگاههای مختلفی پیرامون آن ارائه شده است که در بسیاری از موارد، با یکدیگر رقیب هستند. برای مثال، می‌توان به انسان محوری، زیست محوری، زیست‌بوم محوری و حقوق حیوانات اشاره کرد که هر یک، توجیهاات منحصر به فرد و تا حدی منطقی را برای حفاظت از محیط زیست ارائه می‌کنند. اگرچه، این رهیافتها با یکدیگر متفاوتند، اما هدف کلی آنها یکی است و آن این که، حفاظت از محیط زیست وظیفه تک تک افراد است. از طرف دیگر، هر دیدگاه اخلاق زیست محیطی از سنتهای فرهنگی ویژه‌ای نشأت می‌گیرد که این موضوع، ضمن کمک به ارائه نظریه‌ها و دیدگاههای مختلف، برای پویایی اخلاق زیست محیطی ضروری است.

۴- تحول‌آفرین بودن اخلاق زیست محیطی. اخلاق زیست محیطی ضمن بسط وظیفه انسانها به نسلهای آتی و سایر مخلوقات، در دو سطح تحول آفرین است. یکی، در سطح نظری که در آن، انسان محوری غالب موجود در اخلاق نوین را به چالش می‌کشد و دیگری، در سطح عملی که در آن، مادی‌گرایی، لذت‌گرایی و مصرف‌گرایی ناشی از سرمایه‌داری را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و به جای آن، یک روش زندگی سبز را که با طبیعت هماهنگ است، پیشنهاد می‌کند. اخلاق زیست محیطی، خواهان یک اقتصاد و نظم سیاسی منصفانه است که بر مبنای اصول دموکراسی، عدالت جهانی و حقوق انسانی بنا شده باشد.

در پژوهش پیرامون اخلاق زیست محیطی می‌باید به بومی بودن اخلاق زیست محیطی نیز توجه ویژه داشت زیرا، امروزه بر زیست منطقه‌گرایی اخلاق زیست محیطی تاکید می‌شود. زیست منطقه‌گرایی، وضع و حالتی است که در تعریف و وضع اخلاق زیست محیطی، منطقه‌ای و محلی بودن اخلاق زیست محیطی، دنبال می‌شود (۱۷). این رویکرد، الزامات جدیدی را برای مراکز علمی و پژوهشی در بسط و توسعه اخلاق زیست محیطی مناسب و مبتنی بر فرهنگ، ارزشها، باورها و نگرشهای ویژه محل، گوشزد می‌کند زیرا، در فرآیند جدید تحولات جهانی و اجتماعی، مقوله‌هایی مانند تنوع و تکرر اهمیت یافته‌اند و هویت، به یکی از متغیرهای اصلی در جهان امروز تبدیل شده است (۲). به همین دلیل، پژوهش پیرامون اخلاق زیست محیطی می‌باید به حفظ هویت دینی و تاریخی نیز کمک نماید. همچنین، نباید فراموش شود که جوامع زیادی وجود دارند که نسبت به انسان، طبیعت و رابطه بین انسان و طبیعت، بینش متفاوت با نحوه تفکر جوامع سلطه‌گر کنونی دارند و این موضوع، یکی از

خصوصیات، به پژوهشهای مبتنی بر این نوع تفکر، انعطاف‌پذیری زیادی می‌بخشد (۲۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به جدید بودن مباحث اخلاق زیست محیطی، این نیاز وجود دارد تا دانشمندان و محققان مراکز مختلف علمی و پژوهشی، جایگاه مناسبی به مباحث مرتبط با اخلاق زیست محیطی اختصاص دهند. این موضوع از این نظر مورد تاکید است که هم آموزش و آگاه‌سازی افراد اجتماع در تنظیم رفتار با محیط زیست بر مبنای معیارهای اخلاقی، بر عهده مراکز تعلیم و تربیت و از جمله مراکز دانشگاهی و دینی است و هم تدوین و تبیین نظریه‌ها، رهیافتها، مصادیق و نظام‌نامه اخلاق زیست محیطی می‌باید بر مبنای پژوهش مستمر باشد. از طرف دیگر، نباید فراموش کرد که مشکلات زیست محیطی هنجاری‌اند و پژوهش پیرامون تعیین‌کننده‌های هنجارهای جامعه و از جمله، اخلاق زیست محیطی می‌تواند به ترویج رفتارهای هنجاری مناسب با طبیعت کمک نماید. برای پژوهش پیرامون اخلاق زیست محیطی بیش از هر چیز، به شناخت انسان و پرداختن به باورها و ارزشهای اخلاقی در زمینه خاص فرهنگی جوامع نیاز است. به همین دلیل، می‌باید علاوه بر شناخت ارزشها و باورهای زیست محیطی سایر جوامع، با بهره‌گیری از منابع موجود در سنت و فرهنگ بومی خود، به تدوین و تبیین نظام‌نامه اخلاق زیست محیطی همت گماشت. در این راستا، باید توجه داشت که اخلاق زیست محیطی به دلیل تغییر در فناوری، اقتصاد، سیاست و همچنین وسعت، چندرشته‌ای و چندگانه بودن و برخورداری از ویژگی زیست منطقه‌گرایی، متحرک و پویا است و به همین دلیل، نیاز است تا پژوهش پیرامون اخلاق زیست محیطی با در نظر گرفتن سنت و شرایط فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی جامعه، به صورت مستمر و پیرا رشته‌ای انجام شود و در انجام آن، حفظ هویت تاریخی و دینی به عنوان یک معیار مهم مد نظر قرار گیرد.

اساسی‌ترین مشکلات جهان غرب با سایر جوامع و از جمله، جهان اسلام به شمار می‌رود. زیرا برای مثال، جهان اسلام نه تنها حاضر نیست الگوی غرب را برای دهکده جهانی بپذیرد بلکه، درصدد تقویت خود و بازافتن مجدد خویش است. لذا، امروزه بحث و تبادل نظر زیادی درباره دانش اسلامی انجام می‌شود و تلاش بر این است تا تعریفی از علم ارائه شود که ضمن پذیرش مستندات علمی و عقلی علوم غربی، آن را در نگرش خاص خود از جهان، یعنی بینش اسلامی، ادغام کند (۱۸). از این‌رو، مراکز علمی و پژوهشی می‌توانند در راستای تقویت هویت دینی و ملی، به تبیین اخلاق زیست محیطی مبتنی بر باورها، ارزشها و اعتقادات جامعه بپردازند و با پژوهش، الگوی اخلاق زیست محیطی مناسب را عرضه نمایند. این موضوع با تاکیدات موجود برای استفاده از منابع ماوراءالطبیعی در تبیین اخلاق زیست محیطی، سازگاری دارد (۱۹) و می‌تواند موجب ترسیم چارچوب جامع‌تری از رابطه انسان با طبیعت شود (۲۰ و ۲۱).

در نهایت، باید توجه داشت که نظامهای اجتماعی انسان و زیست‌بومها، به طور کاملاً نزدیکی به یکدیگر ارتباط دارند. این موضوع در هر سطح از تحلیل، یعنی سطح جهانی، منطقه‌ای یا محلی، صادق است. از این‌رو، برای درک درست از تغییر نظام اجتماعی و همچنین، نظام زیست‌بوم، می‌باید آن را با توجه به تاثیر متقابل این دو نظام بر یکدیگر مورد بررسی قرار داد. به همین دلیل است که تحلیل رابطه انسان-محیط، نیازمند استفاده از علوم مختلف می‌باشد و دارای مشکلات زیادی است (۲۲). از این‌رو، برخی پیشنهاد می‌دهند تا در پژوهش پیرامون موضوع پیچیده‌ای مانند حفظ محیط زیست، از تفکر پیرا رشته‌ای استفاده شود زیرا، برای پژوهشگر این امکان فراهم می‌شود تا موضوع یا پدیده مورد مشاهده، مانند تخریب محیط زیست را از ورای زمان و مکان آن نگریسته و به موقعیتی که موضوع پژوهش در آن واقع است، توجه کند. این تفکر هم چنین، به فرایندهایی توجه دارد که موضوع مورد پژوهش را احاطه می‌کند و باعث می‌شود تا پژوهشگر در متن محیط و جریان روزمره‌ای از امور وارد شود که با موضوع پژوهش ارتباط دارند. مجموعه این

واژه نامه

1. Practical Morality:	اخلاق عملی	6. Biosphere:	زیست کره
2. Educational Institution:	نهاد آموزشی	7. Plural:	چندگانه
3. Ecosystem:	زیست بوم	8. Bioregionalism:	زیست منطقه‌گرایی
4. Principle-Based :	اصول نهاد	9. Metaphysical Sources:	منابع ماوراءالطبیعی
5. Pragmatism:	عمل‌گرایی	10. Para-Disciplinary:	پیرا رشته‌ای

1. Rorty AO (1999). Morality as an educational institution. In: Halstead JM and McLaughlin TH, Editors. Education in Morality. Routledge, London. pp: 7-23.
۲. خانیکی هادی. تحولات نوین اجتماعی و سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه. در: سیاستها و راهبردهای علم، فناوری و فرهنگ (جلد اول). ویراستار: بهزاد محمدی نژاد. انتشارات قصیده سرا، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۸۹.
۳. فیوضات یحیی. نقش دانشگاه در توسعه ملی. نشر ارسباران، ۱۳۸۲.
4. Sesin V (2003). Environmental ethics and human interests: problems of mutual relations. Presented in: 5th International Conference on Ethics and Environmental Policies, Business Styles and Sustainable Development. National Ecology Center of Ukraine, Kyiv; April 2-6.
5. Tucker ME, Grim J (2001). Series foreword. In: Grim J A, Editor. Indigenous Traditions and Ecology. Harvard University Press, Massachusetts, pp: xv-xxxii.
6. De Pau La GO, Cavalcant RN (2000). Ethics: Essence for sustainability. Journal of Cleaner Production 8: 109-117.
۷. حمیدی‌زاده محمدرضا. دانش‌آفرینی دانشگاهها و توسعه پایدار. در: مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار (جلد اول). موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۳: ۱۳۱-۱۱۱.
8. Luntley M (1999). Postmodernism and the education of character. In: Halstead JM and McLaughlin TH, Editors. Education in Morality. Routledge, London. pp:185-205.
9. Kassiola JJ (2003). Can environmental ethics solve environmental problems and save the World? Yes, but first we must recognise the essential normative nature of environmental problems. Environmental Values 12 (4): 489-514.
10. Anonymous (1994.) Copernicus-The University Charter for Sustainable Development. Available at: <http://www.copernicus-camps.org>, Accessed: 18 Feb. 2009.
11. Asia-Europe Institute and University Malaya (2002.) The Role of Universities in Supporting Agenda 21: Building Partnerships. Available At: <http://www.muced.um.edu.my/the%20role%20of%20universities.pdf>, Accessed: 20 Feb. 2009.
12. Dallmeyer DG (2006). Incorporating environmental ethics into ecosystem-based management. Presented in: 6th Marine Law Symposium. Roger Williams University School of Law, Bristol, Rhode Island; October 19-20.
13. Pojman LP (2001). On the ethics and environmental concerns. In: Pojman LP, Editor. Environmental Ethics: Readings in Theory and Application. Thompson and Learning, London. pp: 1-2.
14. Hodges J (2000). Why livestock, ethics and quality of life? In: Hodges J and Han IK, Editors. Livestock, Ethics and Quality of Life. CABI Publishing, Oxon. pp: 1-26.
15. Holden A (2003). In need of new environmental ethics for tourism. Annals of Tourism Research 30 (1): 94-108.
16. Yang T (2006). Towards an egalitarian global environmental ethics. In: Henk AM and Have JT, Editors. Environmental Ethics and International Policy. UNESCO Publishing, Paris. pp:23-45
17. Abaidoo S (1997). Human-Nature Interaction and the Modern Agricultural Regime: Agricultural Practices and Environmental Ethics. PhD Dissertation, Dept. of Sociology, University of Saskatchewan, Canada; 305 pp.
۱۸. نصر سیدحسین. تصوف و تعقل در اسلام. نامه فرهنگ، ۱۳۷۲، سال ۳، شماره ۴: ۷۲-۸۵.
19. Abedi-Sarvestani A, Shahvali M (2008). Ecology and ethics: Some relationships for nature conservation. Journal of Applied Sciences 8 (4): 715-718.

۲۰. عابدی سروستانی احمد، شاه ولی منصور، محقق داماد سیدمصطفی. ماهیت و

دیدگاههای اخلاق زیست محیطی با تاکید بر دیدگاه اسلامی. فصلنامه

اخلاق در علوم و فناوری، ۱۳۸۶، سال ۲، شماره های ۱ و ۲: ۵۹-۷۲

21. Abedi-Sarvestani A, Shahvali M (2008). Environmental ethics: Toward an Islamic perspective. American-Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Sciences 3 (1): 609-617.
22. Kroemker D, Mosler HJ (2002). Human vulnerability- factors influencing the

implementation of prevention and protection measures: an agent based approach. In Steininger K and Weck-Hannemann H, Editors. Global Environmental Change in Alpine Regions: Recognition, Impact, Adaptation and Mitigation. Edward Elgar, Cheltenham. pp: 93-112.

23. Shahvali M (2006). A research epistemology and time scale for the conservation of environment. In: International Conference on Research Methodologies in Science, Engineering and Technology. Imam Hossein University, Tehran.

